

10-0, r

جلد ہفت سیکڑی کمرنگ ۲، ۵، ۵۵ - ہجرت و تفریق و تفریق ہفتہ ۱۷، ۶۵

موضع جہ اولہ کتب علم ازاد و تفریق و تفریق : مذہب

باد ۱۰

۱) B۲۵  
رہبہ  
" یہ آیت از بود... " و گویا...  
ہم را در بر آیت لکریست

۲) A۳۵  
مطرحم بہ از دستگیران خط لغت کہ : " در مردم کوفی بہ رندہ "  
راز رفتہ

۳) C۹  
۱-۱  
جہ کہ خط جہ اولہ متصل از... در بر آیت  
راز رفتہ

بکت در در فرما ہلا : جہ کہ کہ

۱- پہن : جہ کہ خط جہ اولہ...  
نکیرتہ...  
و جہ کہ خط جہ اولہ...  
و لے در در...  
و کہ کہ...  
ہم آیت...  
جہ کہ خط جہ اولہ...

۱-۴: امر وضع است که کدام زردا بزرگترین رشح صهبر است که کسب این کمال دیگر است  
صهبر در صه کوزه و سوزان زردا در کمال است و در کمال است این وضع کوه صحت  
و در کمال زردا است و در کمال است کسب فقط بزرگ در کمال است یعنی غنی نام الف و د و ص و ح و ط  
از جهت صه زردا است که در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در صه در کمال است که در کمال است (۴) - (۴) در کمال است

آه آن که در کمال است صه کوه ؟ م جواب

۱- صه در کمال است که در کمال است و در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
راه است که با صه زردا است که در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است

۲- کوه در کمال است که در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است

۱- ریح : در کمال است که در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
از جهت صه زردا است که در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است

کسب این صه در کمال است که در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است  
در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است در کمال است

و در همه حال که ضرورت باشد از اعتبار هر دو فراموشی است و در هر جریزه که نظار و تالیف در هر دو مورد است  
و تصدیق شود و در هر دو مورد که در هر حال که صلاح و نفع است.

و ضرورت: تا که وجه بی زواجم است که در اینجا گنویزیم که تمام آنها را میگویند که من بعد از آنکه دیگر در این باب  
عهد است که در اینجا گنویزیم در اینجا فقهی که هر دو مورد است  
در این صفت که ابتدا از بهر ساز و کار و تدریس

و به نوبت بر دو صورت که هر دو مورد است که هر دو مورد است که هر دو مورد است که هر دو مورد است  
در اینجا نوزاد عمر که هر دو مورد است

در هر دو مورد که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است

در هر دو مورد که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است  
عبدالله که هر دو مورد است

در هر دو مورد که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است  
باز این که هر دو مورد است

صفتی که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است  
باز این که هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است  
خواهد داشت که هر دو مورد است

صفتی که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است

در مجموع: این که هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است

این صفتی که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است  
آری بر آنکه هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است که در هر دو مورد است

۱- کربت : ~~ص~~ از طبع من جمله نه کردید که با ما فرستید ، بزوار در ده سن به نرسید  
بنیاد بر بنام گو کرده ، بیستم در کتب کتب ، اتمام این کتب خطی و صحرایین را بزوار در ده سن  
به نرسید با جزئی که خواهم با نرسید - اول آنکه در کتاب صحرایین که از کتب کربت  
سخت است با به آج ، با خواج و وقت دارد ، مردم را صد از یک عمر بشر آج من گذارد ،  
~~لیست~~ نیز در این کتب می نامد ، شده است که امروزه به از صحرایین که از کتب کربت  
با صحرایین و فتنه با نرسید ، شرح نه به شرح ، شرح هر نرسید که  
هم هست وقت که اول و بعد ، و پیش از این شرح کتب هر نرسید

۱- امیر : کتب کربت که بر عمر نرسید هر نرسید به را کربت - سر نرسید به را کربت  
در این صحرایین شده است ،  
به نرسید که در کتب کربت (۱) دولت کتب ، کتب کربت که در کتب کربت کتب  
در کتب صحرایین که بر نرسید را در کتب نرسید ، نرسید صحرایین که نرسید  
با نرسید که اول به نرسید شود ، از نرسید که نرسید که نرسید  
صحرایین که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید

۱- کتب : به از صحرایین که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید  
نرسید که نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید ، نرسید که نرسید

۱- محمد: «خواجه سرگونا روز هفت با بدنام خواجه زاتل آمد که بی زاری از آنجا در درگاه هم

هر آنجا دو صبح در خط سینه زانوی برین باریک -

اتحاد کلمه از سرگونا شرح دهد را قریب تمام - از در آنجا یاد کنم که همه چیز است از آن سینه که

دشمن در آن سینه است که هفت روز از آن سینه است. صلا تیرا لا و صلا

صانع گنج چنانچه از آن سینه - اول وقت آنجا یک صبح است - هر آنجا که از آن سینه است و در آنجا

در آنجا که وقت آنجا است که از آنجا از آن سینه است و در آنجا که در آنجا

که در آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

اینجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

در آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

۱- بهرام: «از آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

چون که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

چون که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

بطوریکه در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

اهل آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

اینکه آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

فقط در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

از آنجا که در آنجا است که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا

۱- فرم: صبه آمدن سینه زدن صبحگاه و به آردا صبحگاه تا به پیش می آید  
آردو صبح سینه زدن صبحگاه صبحگاه

صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه

۱- باز یاد: مگر به فرستادن سینه زدن صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه

صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه  
صاف صبحگاه صبحگاه صبحگاه

خانیچه چون در دست زید از آنکه الله به اسم نکت است که در دست خیار است  
تقدیر صید وسیع بر شوازه است

رحمت : کبک در لایح بویج صبا را بار از آنکه کسیر هم صفت زید از آنکه الله دارد بر بار  
و زید از آنکه الله دارد بر صبر

\* بستره در نیت که هم از آنکه دست از زید از آنکه الله است از آنکه الله در دست  
صیح بود در بعضی از وقت افکار تقوی در لایح نکرده

از وقت در ملک از آنکه الله در دست  
و کسیر : چو در دست در بعضی راطا از آنکه کسیر صفت زید از آنکه الله دارد بر بار  
و کسیر : کسیر در کسیر است - و الله است - کسیر در لایح نکت دارد

و کسیر : کسیر در کسیر است و کسیر در کسیر است (و کسیر صفت زید از آنکه الله دارد بر بار)  
فردی در کسیر است

و کسیر : کسیر در کسیر است و کسیر در کسیر است و کسیر در کسیر است  
فردی در کسیر است

و کسیر : کسیر در کسیر است و کسیر در کسیر است و کسیر در کسیر است  
فردی در کسیر است

\* کسیر در کسیر است



50/2/5

① 1 2 3 4 5 6 7

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

0

+

+

+

+

سید

+

سید

+

سید

+

+

+

+

سید

④ | سطر آخر سالت از قدر انضوف خود از لذات سالت با ... آمار بزرگ حذف شود  
 در این |  $C_2$   
 و نوشته شود در سطر آخر از تمام  
 و یک بار بر سر آن تقریب است

⑤ [ در سطر ع کلمه " با " حذف شود ]  
 و یک بار بر سر آن تقریب است

⑥ [ " شمره که بود " افعال ]  
 تقریب است

⑦ | به آفرین قهر از دنیا و بنابر بیخ فتنه از کس است  
 در سطر بنظر بیخ فتنه می آید  
 و یک بار بر سر آن تقریب است

۱- صدق و راست بعد از بیخ فتنه در مورد شمره که بود  
 چه تعلق هم در سطر بنظر فتنه در و یک بار بر سر آن تقریب است

قسم صدری ۱۴

گروه ۱ :

C - افتخام سردار : « ما قبل سرمایه داری بطور جدی »

B<sub>1</sub> - خیزش سردار : « گرسنه »

A - خیزش سردار : « نقاد اصلی جامعه و نقاد کار و سرمایه است »

دیگران افتخام سردار : « تبیین رسم - در این روند نقاد کار و سرمایه به نقاد اصلی جامعه تبدیل شده است »

C - خیزش سردار : « کارگران »

A - هم آفراده استقلال برده : « دلی هنر نقاب است خمارها ما قبل سرمایه دار و غیر دار »

C - خیزش سردار : « گرسنه » و « دلی هنر » و « و غیر دار »

افتخام سردار : « و علم بر علم نقاب ... »

A - افتخام سردار : « تبیین رسم - طی این روند نقاد کار و سرمایه به نقاد اصلی در جامعه تبدیل شده است »

خیزش سردار : « نقاد اصلی جامعه - است »

گروه ۲ :

A - افتخام سردار : « آنتوار در پاریس و گرسنه »

C - تبیین سردار : خانگی - اسکی

C - خیزش سردار : « از زمان در راه است با ... مبارزه فکری »

C - استقلال سردار : « آماج خان ... ایران است » به بعد از کثرت در پاریس

A - تبیین سردار : جامعه به زخم کهن

اردی

گروه ۳ :

افتخام سردار و دیگران

تبدیل سردار : ...

C - « ... »

« ... »

« وظیفه انقلاب ملی و دگرگونی ایران در راستای گذر به سرمایه گریز است »

« ... »

« ... »

(۱۷)

← آنتوار بلارینک ← ...

(۱۶)

تجدید

(۱۸)

Handwritten notes at the bottom left of the page, including a circled number 17 and various lines of text.

په آخر ماهه ۱۳ اهمه نرد

"برداري نام كامل و مطالبه انقلاب بايد از عظم سرمايه داران قرار گيرد و در رانسي سرمايه داران قرار گيرد"

"عبدی دن ارزلات" و "گتر کرهوش" ... "مگر حسی" ، "حق تدین سرزنت"

(22) ← C حذف نرد

C تبدیل نرد

انقلاب ملی و دیکتاتر بران است ← انقلاب در مرحله گذرانی است

ملی ← ضد امپریالیست

C " "

دکترانیزه کردن محتوا اقتصاد - اجتهای لغنی نامین آزادی و حقوق دیکتاتر طبق ، برانداز (کلمه) سرمايه داران ، و اجتماعی اقتصادها مافصل سرمايه داران و دیکتاتور عدالت برقرار ، و قطع و التیمی اقتصاد گذر بر امپریالیسم و مبارزه مستمر با نقد آن ، استی ترین مطالبه انقلاب - ضد امپریالیست و دیکتاتر بران است

۱۵ - بی مطالبه ماهه ۱۳

(19) ←

افزایش نرد

"محرطه های" ، "سطح کفصل جامع" ، "ماکان" ، "دستار مدارات صلح"

(24) ← C حذف نرد

C تبدیل نرد

"مازل کردن سطح شکل و اجتماعی طبقه کارگر"

(4)

"آنها زینت عالی نیروی" ← "آنها زینت عالی نیروی" ، "آنها زینت عالی نیروی" ، "آنها زینت عالی نیروی"

(22)

C " "

فایده از هنرهای گنوصت صلح

(ارست)

"دریم مازند ان صلح"

قده نرد درام

ماره ۴

"تثقیل قدرت سرمايه داران" ← انتقال قدرت سرمای داریست و دست بردن پروفیتی

(28)

C تبدیل نرد

سرمايه انحصاری ← لایزال سرمای و البته

(27)

" "

تیز و کرکب ← تاج

" "

"برو فیتیست است آورد و دیکتاتر در وجه انقلاب به نهایتش نیافت بلکه آماج سبزه"

(29)

تثقیل نرد

ماره 5

"ازجای داخلی" ← "معارضه جریان"

(29)

ن - حذف نرد

"ازجای داخلی" ← "دربار نرد" ← "دربار نرد"

(30)

تثقیل نرد

"روشن فکران خلقی" او "ملی" ← "روشن فکران خلقی"

(31)

C حذف نرد

"بازگشت به سرمای داران و البته" ← "بازگشت به سرمای داران و البته" ، "بازگشت به سرمای داران و البته"

(32)

A - افزایش نرد

"حرفه با رژیم ولایت فقیه" ← "حرفه با رژیم ولایت فقیه"

(33)

B - تبدیل نرد در مداره

پهلوی شود: "جمهور اسلامی" ← رژیم، نهاد شده رژیم شکرانیک بالذرات رسد اقتصاد- اجتماعی کشور و  
(۴۷) ← عصمت اجتماعی و دایره گرانه تمامه کار آن (C)

۱۰۵/۵۰۰  
در روز ۳۳

گاه ۶

- ۵) "سرنگونی رژیم صهیونیستی" - - - - - عوارض آن (C) فکر شود:
- تحقق انقلاب ملی - دگرگونی ← تحقق انقلاب - در صله عمومی (C) پهلوی شود:
- رژیم صهیونیستی سده ← "رژیم صهیونیستی" من گمراه حلقه ایران و سراسر (Bv) " " "
- ۱) دگرگونی اقتصادی جامعه ملت ← (انقلابی جامعه و استقرار حکایت دگرگونی و انقلابی صلح (B1) پهلوی شود:
- در دستای ← در دست استقرار (C) پهلوی شود:
- رژیم صهیونیستی سده - - - - - جامعه ملت ← به آفریننده (C) نقل شود:
- آفت دگرگونی ← آفت دگرگونی (C) پهلوی شود:
- در رژیم "صهیونیستی" دگرگونی سده جامعه افغان شود: و استقرار در رژیم انقلابی و (B1) " " "
- "در دستای سده" (C) فکر شود:
- ۲) در رژیم انتقال قدرت - - - - - جامعه ملت ← استقرار حکایت صلح است (B1) پهلوی شود:
- ۷) در رژیم انتقال قدرت - - - - - جامعه ملت ← ضرایب پهلوی (C) پهلوی شود:
- ۶) در رژیم خرد شده ها، تنده ← خردت ها، انقلابی کرده (C) پهلوی شود:
- ۴) "شرط لازم بریزد انقلاب ملی - دگرگونی ایران استقرار صهیونیستی دگرگونی صلح از طریق سزایی رژیم صهیونیستی است. سرنگونی رژیم - - - - - عوارض آن (C) پهلوی شود:
- انتقال قدرت - - - - - جامعه ملت ← انتقال قدرت به قبایع و آفت رجوعه انقلاب و استقرار حکایت صلح است (B1) پهلوی شود:



تعداد کتب موجود

تعداد کتب موجود

ماه ۷ -

ب - بی "نق و القواد برزوار لیرال" نرته شود: "نق و القواد برزوار سیرط سارگهار (لیرال)"

بی - ماه ۷ صبریه زیر نرته شود: "نیردهای محله الله - ضرابیرالیسی - رطریسی لیرال عبارتند از: لبقه کارگر، رقصان و غیره برزوار سیرال برزوار سیرط لیرال در انجام الله - ضرابیرالیسی - رطریسی زیتع سیرط: نق ریاشنی برزوار لیرال در وضع نیایش قرار دارند و در بعضی از کلاس ضرابیرالیسی و رطریسی زیتع لبقه کارگر الله سیرال و بیشتر در سیرط لیرال

لیرال الله سیرط است: "لای هان از برزوار لیرال" نرته شود: "لای هان از برزوار لیرال رطریسی"

بی - "برزوار لیرال" نرته شود: "برزوار سیرط"

بی - ماه ۷ صبریه زیر نرته شود: "برزوار سیرط لیرال" مخالف الله - ضرابیرالیسی - رطریسی لیرال لیرال لای هان ریاشنی برزوار سیرط لیرال در بعضی از کلاس الله لیرال زیتع لیرال و لیرال الله سیرط لیرال لبقه کارگر الله سیرال و بیشتر در سیرط لیرال و نیردهای لیرال الله سیرط است

بی - "نیردهای محله الله - ضرابیرالیسی لیرال" نرته شود: "نیردهای محله الله - در سیرط لیرال"

بی - "برزوار سیرط لیرال در انجام الله - ضرابیرالیسی - رطریسی لیرال" ضرابیرالیسی لیرال زیتع سیرط



۱ C - طرول - تبارزه دره " حذف شود

۲ C - طه " به تقرر " حذف شود

۳ B " کسین لوت وکرتیب ولفقدن " نرسته شود: " عهدی وکرتیب خلق " در اول کسین

۴ C طراف: " لوت " کسر " یا " حاکمیت " نرسته شود.

۵ C - بی " لزمه کتف وکرتیب " نرسته شود: " عهدی کتف وکرتیب " نرسته شود

۶ C - طه - ص - ص - ص " نرسته شود

در ماده ۹ ط ۲ پس کارایان ... نرسته شود

۷ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۸ C " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۹ C " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۰ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۱ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۲ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۳ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۴ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۵ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۶ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۷ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۸ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۱۹ C - طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۲۰ C " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۲۱ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۲۲ C " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۲۳ A " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

۲۴ B " طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود

تعارفین برودن در ... طراف " نرسته شود: " عهدی وکرتیب ولفقدن " نرسته شود



۹ - (C) - ایجابی است بر آن است. "نوعه شور" - صاکت القدر و در تفسیر صفت به ظاهر صاکت کارزان  
دوران و در هر روزی است. این صاکت از آن قلهای رفیع و طبعاً است

۶۸۱۵/۲

ماه ۱۰ - (A) - در نظر این معیار است که در این معیار  
- سازمان ما بر پایه خود را بر رتبه در هر تفسیر بر پایه صفت  
نیست و بلند است برای است با سایر نیردهای تفریق کرده از آنجا که همه تفریق بر این بر نام ...  
۱ - (C) - لایه های از بر روزگار - "نوعه شور" این صفت لایه ها توسط بر روزگار در دریا بر این امکان  
و است نسبت به راه همگامی و حرکت بلند

1 (Brs) - "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" این صفت می تواند با لایه های از بر روزگار در خواجهان  
صلح، آزار و سزای مردم هستند آثار عملی در بعضی از کشورها

۲ - (C) - اضافه شود (بصورت همبره اسلک هستند) به "لایه های صفت صفت را قبول دارند"  
۳ - (C) - همه آن فرود فرود است شور: "صفت صفت بر این است که بر این اساس آن تطبیق بر این است که در این  
است در دسترس هم نیردهای آن قرار می گیرد، شکل می شود"

۴ - (C) - مانده اضافه شود  
۵ - (C) - "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" - لایه های از بر روزگار می که در آن لایه - مل و در تفسیر  
تفصیح هستند

۶ - (C) - بعد از سزای مردم "اضافه شود" "همبره اسلک"  
۷ - (C) - "در هر روز مردم همبره اسلک" - "صفت صفت نیردهای محرم القصد" - "لایه های از بر روزگار" می را  
که خواجهان صلح، آزار و سزای مردم هستند در بر می آید  
۸ - (C) - "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" - "روشنتران خلق که سواد لایه های  
از بر روزگار می را در این محله مل و در تفسیر در تقسیم بود فرود می کنند"  
۲ - (A) - بعد از بر روزگار کلمه "ملی" اضافه شود

3 (A) - سواد دوم بعد از روشنتران خلق اضافه شود: "در هر روز مردم لایه های مبارزه"  
۹ - (C) - "صفت صفت" - "تفصیل از نیردهای محرم القصد مل و در تفسیر این است که در این زمینه آن را از آثار  
کامتر آن در همان شکل بر همه و ضامن تحقق و تفسیر آن است. در شرایط زندگی در زمان بر این است که در هر روز مردم  
صفت سزای مردم را در این است. همه نیردهای خواجهان صلح، آزار و سزای مردم هستند در بر می آید

این آثار لایه های از بر روزگار را به خواجهان صلح، آزار و سزای مردم هستند در بر می آید  
۷ - (C) - همه آن فرود فرود است شور: "صفت صفت بر این است که در این معیار" بیخ خلق"  
۱ - (A) - جمله "سازمان" - "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" - "صفت صفت"  
۲ - (C) - "نوعه شور" از "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" - "صفت صفت"  
۳ - (C) - "نوعه شور" از "لایه های از بر روزگار" - "نوعه شور" - "صفت صفت"

به هیات سیاسی کمیته مرکزی

ر. هیدر علی

رفقا!

پس از جلسه ۳ دوره، امروز کمیسیون اسناد سیاسی تکمیل جلسه دار و نتایج جلسه ۳ دوره را مورد بررسی قرار داد و طبق جمع بندی‌های کمیسیون از جمله ۳ دوره امروز جمع نتایج زیر بدست آمده است :

۱- درباره شرط پیشرفت پیروی و فرجام رسیدن انقلاب ملی - دکراتیک :

« باید در روند تصریح شود که تحقق چنین شرطی منوط است به اینکه طبقه کارگر رهبری انقلاب ملی

دکراتیک را بدست گیرد و پیش هفت آن در راس قدرت سیاسی قرار گیرد. »

۲- درباره برنامه دولت :

در درسند باید تصریح شود که دولتی که ما خواهان استقرار آن هستیم باید برنامه طبقه کارگر

را اجرا کند. »

۳- درباره نام دولت جانشین

« علی رغم وحدت نظری که پیرامون برنامه، ترکیب طبقاتی و سایر رهبری در این دولت در حیطه

بسیار بوده وجود دلت هنوز وحدت نظری پیرامون نام این دولت در حیطه ۳ دوره بهبود

نیافته است و ۳ پیشنهاد مطرح است :

اول : درسند فقط از دولت دکراتیک و انقلابی « نام بریم (در ماده ۶)

دوم : درسند از « حاکمیت خلق » و « دولت دکراتیک و انقلابی » بهر دو نام بریم و تصریح

کنیم : « دولت دکراتیک و انقلابی ابزار اعمال حاکمیت خلق است »

سوم : درسند از « حاکمیت دکراتیک خلق » یا « جدوی دکراتیک خلق » نام بریم

لذا کمیسیون در تذارت ۱ و ۲ نظر به ۳ دوره را پذیرفت و همان بندی را در سند وارد کرد و درباره نام

دولت تقیم تازه ای اتخاذ نکرد.

به علاوه عده ای از رفقا پیشنهاد کرده بودند که در همه جای کلمه "شکرگویی" از کلمه "رهبری" استفاده شود

چون کمیسیون این دو واژه را معادل می شناسد لذا درسند از بهر دو واژه استفاده شد که بهر ترتیبی در

باره یکی نبودن این دو واژه بر طرف شود.

رفقا!

الآن کار کمیسیون اسناد سیاسی خاتمه یافته و عبات ۳ دوره نیز تمام شد و نامی را که در دستور داد

مورد بحث قرار داده و نتایج آن در سند پیش نویس انعکاس یافته است. اکنون سند  
صوب کمیسیون آماده تصویب در هیات سیاسی است و به همین منظور نسخه آن که ضمیمه این گزارش  
است در اختیار شما قرار گرفته است. این پیش نویس بعد از جمع روز سه شنبه ۳۱ تیرماه هیات سیاسی  
طرح خواهد شد. جلسه از ساعت ۱۶ تا ساعت ۳ بعد از ظهر تشکیل می‌گردد. طبق تقسیم کمیسیون رفتاری  
که پیشنهاد می‌روی سرار پیش نویس قطعاً نام دارند می‌باید متن کتبی فرمول پیشنهادی خود را  
حد اکثر تا ساعت ۱۳ ظهر روز دوشنبه ۳۱ تیرماه در محل دفتر سازمان به ریاست تحویل دهند  
مجموعه این پیشنهادها در تنظیم و تکثیر شده و ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز در محل دفتر سازمان تحویل رفتا  
می‌گردد. پیشنهادهایی که بعد از ساعت ۱۳ در شب تحویل گردد در حجب ه.س. طرح نخواهند شد. در حجب  
ه.س. صرفاً پیشنهادهایی به بحث گذاشته می‌شوند که تماماً تکثیر شده و در اختیار اعضای حجب قرار گرفته باشد.  
از طرف کمیسیون اسناد سیاسی

صادق - ۲۸، ۴، ۶۵

## طرح استراتژی و تاکتیک

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱- بر اثر فرمهای شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیوند ارگانیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرد و به مناسبات غالب در کشور ما تبدیل شد و تضاد خلق و امپریالیسم تشدید گردید .  
در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استثمار سرمایه داری شکل اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان است ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد . تضاد اصلی جامعه ما تضاد کار و سرمایه است .

۲- آماج غائی سازمان ما استقرار نظام سوسیالیستی در ایران است . سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای اسارت سرمایه رهایی بخشد ، به استثمار انسان از انسان خاتمه دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی جامعه را تامین کند . سازمان در راه دست یابی به این آماج مبارزه می کند .

۳- انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه ، خصیلت تضادها و آرایش سیاسی - طبقاتی نیروهای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد .<sup>۱</sup> استقرار بلادرنگ صلح ، تامین آزادی و حقوق دموکراتیک مردم ، جدائی دین از دولت ، شناسائی حق تعیین سرنوشت خلق ها ، براندازی کلان سرمایه داری ، بزرگ مالکی و بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری ، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی ، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم ، اتخاذ سیاست خارجی مرفعی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک ایران است .

۴- مردم میهن ما برای تامین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی علیه حکومت دست نشانده شاه بپا خاستند و قهرمانانه آن رژیم تاندان مسلح را به زیر کشیدند . انقلاب بهمین گرچه رژیم سلطنتی ، سرمایه - انحصاری و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را برانداخت ولی در نتیجه قبضه قدرت توسط روحانیت پیرو خمینی آماج های دموکراتیک و مردمی انقلاب تحقق نیافت و دست آوردهای آن آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت .

۵- جنگ و سیاست های جنگ افروزانه ، مداخله جویانه و پان اسلامیتی و خصیلت تئوکراتیک ، ضد خلقی و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی موجب تشدید بحران اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی وایدئولوژیکی جامعه ما شده است . بحرانی که ریشه آن اساساً در نظام سرمایه داری و وابستگی آن به امپریالیسم نهفته است .

تضاد بین رژیم جمهوری اسلامی با طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی

هرروز عمق و دامنه بیشتری پیدا می‌کند. ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون نارضائی و مخالفت بخش‌هایی از بورژوازی ملی رانیز برانگیخته است. <sup>۱۱</sup> ارتجاع داخلی - که به لحاظ سیاسی حکومت جمهوری اسلامی و به لحاظ اجتماعی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان رادیرمی‌گیرد - و امپریالیسم جهانی عمده ترین دشمنان خلقهای ایران بشمار میروند. رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است بورژوائی و تئوکراتیک، دارای خصلت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک. رژیم جمهوری اسلامی پیش از همه منافس روحانیت و بورژوازی تجاری راتامین می‌کند.

۶- برای تحقق خواست‌های توده‌های مردم جامعه مادعرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. رژیم جمهوری اسلامی سد راه تکامل و هرگونه تحول دموکراتیک جامعه ماست.

شرط مقدم تحقق انقلاب ملی دموکراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات و اقشار دموکراتیک و انقلابی جامعه ماست. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی عاجلترین وظیفه ایست که درمقابل نیروهای مترقی و دموکراتیک و انقلابی ایران قرار دارد.

۷- نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی <sup>۱۱</sup>. اتحاد این نیروها و افشائ و انفراد بورژوازی لیبرال برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است. طبقه کارگر انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه‌هایی از بورژوازی نیز دربرخی تحولات ملی و دموکراتیک ذینفع‌اند، اما بورژوازی قادر به تحول انقلابی جامعه مانیست.

۸- درانقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر سایر نیروهای طبقاتی شریک و ذینفع هستند و تلاش می‌کنند سرکردگی خود رادانقلاب تامین نمایند. سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گره می‌خورد. پیشرفت پیگیری به فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران درگرو تامین رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگردراس قدرت سیاسی است. تامین سرکردگی مستلزم آنست که طبقه کارگر متحد شود و بتواند توده دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی رابسوی خود جلب کند. سازمان ما با تمام قوا درراه تامین رهبری پرولتاریا درانقلاب ملی و دموکراتیک ایران مبارزه می‌کند.

۹- به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تشکیل دولت دموکراتیک و انقلابی، مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگرایران، مبارزه در راه تامین اتحاد همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در جبهه متحد خلق و تبدیل آن به آلترناتیو رژیم از عمده ترین وظایف استراتژیک سازمان در مرحله کنونی است.

دولت دموکراتیک و انقلابی دولتی است متکی بر اتحاد و اراده واحد طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی که باید برنامه طبقه کارگر برای انقلاب ملی و دموکراتیک رابه اجرا بگذارد.

درجه پیگیری این دولت در اجرای برنامه مذکور بامیزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این دولت بستگی می‌یابد .

۱۰- جبهه متحد خلق جبهه ای است متشکل از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی . لایه هائی از بورژوازی که خواهان صلح ، آزادی و سرنگونی رژیم هستند نیز می‌توانند در این جبهه شرکت کنند . اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی این جبهه است . جبهه متحد خلق بر اساس برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می‌گیرد تشکیل می‌شود .

۱۱- سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) خواستار تحقق مسالمت آمیز انقلاب است ، اما رژیم

جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است . تنها راه انتقال قدرت سیاسی به مردم اعمال قهر است . لذا سازمان ما وظیفه خود می‌داند که توده های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آماده سازد . در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌توان و باید تمام شیوه های مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت .

طریق عمل

ج- طرز مبارزه - شرکت